

از پیرهرات

دربلخ

تا

شاه نعمت الله ولی

در ماهان

نوشته: جلیل مظهری

سرشناسه: مظهري، جليل، ۱۳۲۰-	
عنوان و نام پديدآور: از پير هرات در بلخ تا شاه نعمت الله ولي در ماهان/ نوشته جليل مظهري	
مشخصات نشر: کرمان: جليل، مظهري، ۱۳۹۲.	
مشخصات ظاهري: ۱۸۰ ص.	
شابک: ۹۷۸۹۶۴۰۴۹۸۶۰۶	
وضعيت فهرست نويي: فبا.	
موضوع: نعمت الله ولي، نعمت الله بن عبدالله ۷۳۰-۸۳۴ ق.	
موضوع: عارفان - ايران - سرگذشت نامه.	
موضوع: درويشي و درويشان.	
کد ديکشنري: ۱۳۹۲/ ۱۴/ ۱۴۷ م ۶	BP۲۹۳
رده يکديکته: ۲۹۷/ ۸۹۲۴	
کتابخانه ملي: ۳۲۲۸۹۸۱	

نام کتاب:	از پير هرات در بلخ تا شاه نعمت الله ولي در ماهات
مؤلف:	جليل مظهري
ناشر:	مؤلف
طرح جلد:	خانم مريم مظهري
ويراستار:	آقا يان: حسن يزدي - طاهر الله مشرف زاده
تاييست:	خانم ها: معصومه قطب - فرزاد - اتهم اتقايي
قيمت:	۷۰۰۰ تومان
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
نوبت:	اول ۹۲
شابک:	۹۷۸۹۶۴۰۴۹۸۶۰۶

چاپ: مهدي کرمان

۰۳۴۱-۲۲۲۳۳۱۱

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مکتب شاه نعمت الله ولی	۲
چه خوب است بگویم	۱۴
مرشد، مراد و پیر چه خصوصیتی دارند	۲۲
درخت است یونسیه	۳۱
چگونه می پذیرفته شدن در مکتب نعمت اللهی	۳۲
راه روشن درویشان مظهر عیشاهی	۳۹
ازل تا ابدیت یکسان نیست	۴۶
پیر از دیدگاه بافظ	۵۰
انواع ذکر در اسلام	۵۵
نحوه ذکر و تلقین اذکار	۶۱
ذکر در سلسله های دیگر	۶۷
توبه	۷۳
مروت، فتوت، صبر	۷۴
زهد	۷۶
ریاضت در نزد عارفان	۷۷
توکل	۷۸
رضا	۷۹
اخلاص	۸۰
فقر	۸۱
طلب	۸۴
توحید	۸۷
حیا	۸۸
حیات	۸۹
معرفت	۹۰

۹۳		تسلیم
۹۵		سماع
۹۸		وجد
۱۰۱		مرگ
۱۰۳		چله نشینی
۱۰۵		راه
۱۰۸		نبرد و رزم
۱۰۹		فنا
۱۱۱		یقین
۱۱۱		نفس
۱۱۲		دل
۱۱۴		انا الحق
۱۱۵		خاموش (خاموش)
۱۱۷		صوفی
۱۱۹		عارف
۱۲۱		دعا
۱۲۳		عاشق
۱۲۶		بیخودی
۱۲۸		اجل
۱۳۰		خضر
۱۳۲		طی العرض
۱۳۳		روح
۱۳۶		حرص
۱۳۸		حسد
۱۴۰		سیروسلوک
۱۴۴		سالک

۱۴۶	مراقبه
۱۴۶	حق
۱۵۰	حضور
۱۵۲	حجاب
۱۵۵	شکر
۱۵۵	فکر
۱۵۶	خاطرات از مظهر علیشاه ثانی
۱۵۷	حج
۱۶۱	خانقاه
۱۶۴	کشکول
۱۶۶	تبرزین
۱۶۷	تاج درویش
۱۶۸	خرقه
۱۷۲	چنته
۱۷۳	دیگ جوش
۱۷۶	ذکر خاطره
۱۷۹	مظهر علیشاه میزنگ

(حضرت سید نورالدین ملقب به شاه نعمت الله ولی)

سید نور الدین نعمت الله کرمانی معروف به شاه نعمت الله ولی فرزند عبدالله و از احفاد امام محمد باقر امام پنجم شیعیان می باشند.

نسبت او تا علی ابن ابیطالب امیر المومنین چنین است:

نور الدین نعمت الله بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن موسی بن یحیی بن هاشم بن موسی بن جعفر بن صالح بن محمد بن حسین بن محمد بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن ابی عبدالله بن محمد باقر بن موسی (زین العابدین) بن حسین بن علی بن ابیطالب

خود آن باب (حضرت شاه ولی) درباره نسب خود چنین بیان داشته اند:

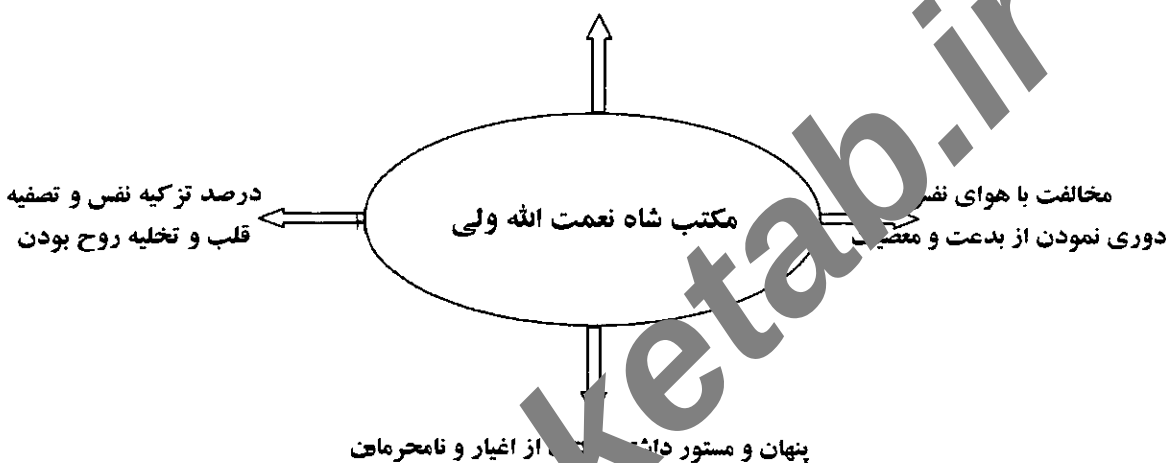
روزی من رسول خداست آشکار است نیست پنهانی

روز پنجشنبه دوازدهم رجب سال ۷۳۱ هجری قمری به دنیا آمد. در جوانی در عراق به سر برده و در سن ۲۴ سالگی به زیارت ائمه ائمه مشرف گردیدند.

دوران نوجوانی را به فراگیری علوم شرعی اشتغال داشته و مقدمات علوم را نزد سید رکن الدین شیرازی و فقه و تفسیر و کلام و اخلاق نزد شمس الدین خوارزمی و سید شمس الدین مکی آموخت در سفر بیت الله الحرام خدمت شیخ الدین عبدالله (متوفی ۷۵۵ هجری قمری) الیافعی الیمنی رسیده و هفت حج با او به عمل آورد و دیدار و سالها خدمتگزاری از دست وی خرقه دریافت نمود فصوص را از حفظ می خواند پس از نگذشت پیر و مرشد جانشین آن بزرگوار گردیده به ایران باز گشته مدتی در سمرقند و هرات زندگی نموده (هرات و سمرقند آن زمان جزئی از خاک پهنای ایران بود) و زمانی در تفت یزد مدتی ساخته مدتی هم به کوهبنان سفر نموده در آنجا خانقاهی ساخته مدتها در کوهبنان مقیم بودند و در آنهم بعد از سالها آثار خانقاه تفت و کوهبنان باقی است. در نیمه های دوم عمر پر برکتشان به کرمان آمده و در ماهان کرمان که قریه ای کوهستانی و بسیار خوش آب و هوا و بر سر راه هندوستان قرار داشت (جاده ابریشم) خانقاه ساخته و تا پایان عمر پربرکتشان در ماهان کرمان رحل اقامت افکنده، حداقل مدت ۲۵ سال که در ماهان زندگی نموده به ارشاد طالبان طریقت پرداخته پذیرای صدها هزار مریدی که از سراسر ایران و کشورهای دیگر می آمدند بودند. به سال ۷۵۵ هجری قمری اولین فرزند ایشان سید برهان الدین خلیل الله در کرمان متولد گردید. تعداد مریدان آن جناب روشن نیست چون شصت سال در سیر و سیاحت در قسمت های بزرگی از دنیای اسلام آن روز به سر برده و چهل و اندی سال هم در تفت، کوهبنان، ماهان و کرمان ساکن و در این مدت یک قرن

زندگانی‌شان مریدان فراوانی از کلیه شهرهای ایران و بیشتر کشورهای همسایه به ایشان رجوع می نمودند قبلاً اشاره شد شجره طیبه ایشان به مولا علی ابن ابیطالب سر خیل عرفا و بزرگان می رسد. آن بزرگوار پایه مکتب نعمت الهی را که بر مبنای شریعت رسول اکرم و اطاعت از وصی و جانشین وی مولا علی و مخالفت با هوای نفس و دوری نمودن از بدعت و معصیت و همراه سعی در تزکیه نفس و تصفیه قلب و تخلیه روح بود قرار داده.

متابعت از رسول اکرم (ص) و علی ابن ابیطالب (ع) و ائمه اطهار (ص)



آن سید بزرگوار به سال ۸۳۴ هجری قمری به برای یافت و در ماهان کرمان در آرامگاه ابدی خویش به خاک رفت و از همان زمان آرامگاه پرستش صورت توجه و علاقه "مریدان" مردان طریقت و درویشان صافی دل می باشد.

آن بزرگوار را اگر نگوییم سر سلسله عرفای جهان بوده اند مستجاب و عارف نامی و بلند آوازه جهان بوده و هستند. سالکان و رهروان این سلسله خود نما نبوده به لباس خاص ملبس نیستند و معتقدند که خدا پرستی و ستایش باری تعالی در هر لباس امکان دارد (پیر و شیخ معنی هستند) آنها اعتقاد دارند جامه رضا و تسلیم به برداشته از تنبلی، تکدی گری و گدایی و ترک کسب و کار و دوری از خانواده پرهیز دارند آنها معتقدند سالک یا سالکان در حالیکه در جامعه به خدمت خلق مشغولند باید در تزکیه نفس و تصفیه قلب بکوشند و در جمع دارای خلوت باشند.

پس از خرقه تهی کردن حضرت شاه ولی فرزند برومندشان برهان الدین شاه خلیل الله خلیفه و جانشین ایشان گردیده با توجه به مشکلات و جنگ و جدل های داخلی ایران بنا به دعوت و اصرار

بی اندازه شاه دکن هندوستان علاء الدین احمد بهمنی بدان سرزمین نقل مکان نموده در آنجا مقیم شدند.

در آنجا در نهایت اعزاز و اکرام خود و همراهان و جانشینان زیستند (مقر سلاطین بهمنی شهر دکن و پایتخت شان گلبرگه و بیدر بود و پیرو مذهب تشیع بودند) جانشینان حضرت شاه ولی در سرزمین دکن هندوستان که بر سریر ارشاد و راهنمایی عاشقان طریقت بجای داشتند عبارتند از:

«بعد از شاه ولی»

- | | | |
|------------------------------|-----------------------------------|---------------------------------|
| ۱- پوهان الدین شاه خلیل الله | ۲- شاه حبیب الله (محب الله) | ۳- شاه کمال الدین (غصبه الله) |
| ۴- شاه حسین الله (دوم) | ۵- شاه شمس الدین محمد | ۶- شاه حبیب الله (محب الله دوم) |
| ۷- شاه شمس الدین محمد (دوم) | ۸- شاه کمال الدین عطیه الله (دوم) | ۹- شاه شمس الدین محمد (دوم) |
| ۱۰- سید محمود شاه دکنی | ۱۱- شمس الدین شاه دکنی | ۱۲- شاه علیرضا دکنی |

باید توجه داشت در زمان شاه نعمت الله ولی کلمه شاه به جای شیخ به اقطاب نعمت الهی افزوده گردیده زیرا فقرای نسبت به اقطاب را سلطان معنوی و پادشاه ملک جان می دانستند و از زمان معصوم علیشاه کلمه علیشاه به جای شاه قرار گرفت و اولین کسی که از این کلمه استفاده کرد جناب معصوم علیشاه بود.

بعد از صفویه و مدتها تسلط افغانهای مکتب گزین بر سرزمینهای گریزیهای مردم جایی برای تبلیغ عرفان نمانده بود که با شروع جنگهای نادر و کشو و گریزیهای او (نادر) و بخصوص تغییر مذهب مردم ایران و اعلام رسمی تغییر مذهب از شیعه به سنی اعتراض مردم به تدریج شکل می گرفت. در چنین حال و هوایی به خصوص بعد از قتل نادرشاه و طغیان سیدان او در گوشه و کنار زمینه برای احیاء و گسترش دوباره عرفان آماده می شد تا آنجا که مردم از گوشه و کنار مملکت به هندوستان سفر نموده یا نامه نوشتند یا پیغام فرستاده دست به دامن شاه علی دکنی می دوازدهمین قطب سلسله نعمت الهی شده اظهار داشتند بعد از سالها بلوا و آشوب و جنگ و خونریزی هم اکنون زمینه برای پیشرفت مکتب نعمت الهی (عرفان) فراهم بوده استدعا نمودند بی و باری تمام راهنما (افراد مطلع) آگاه به ایران. اقدام گردد.

بدین لحاظ به دستور قطب وقت (شاه علیرضا دکنی) دو تن از خلفاء به نام های میر عبدالحمید (معصوم علیشاه) و شاه طاهر دکنی برای ترویج و گسترش مکتب نعمت الهی در کسوت درویشی به سال ۱۱۹۰ هجری قمری عازم ایران گردیدند متأسفانه کوتاه مدتی بعد شاه طاهر دکنی در راه سفر به عتبات از دنیا رفته به لقاء الله پیوست و سید معصوم علیشاه خلیفه اعزامی شاه علی رضا

دکنی در ایران ماندگار و بعد از سالهای سال که دکن هندوستان پایگاه و مرکز زندگی و سکونت اقطاب سلسله نعمت الهی شده بود مجدداً به جایگاه اصلی و پایگاه اولیه خود ایران باز گردید.

سید معصوم علیشاه که سالهای سال در خدمت شاه علیرضا بسر برده و کسب فیض نموده و موفق به اجازه ارشاد و تلقین ذکر شده بودند می گویند آنگاه که با عنایات حق متحول گردیده و نشانه های چندی پدیدار شد به جانشینی و اداره امور اخوان نعمت الهی انتخاب گردیدند. آن سید بزرگوار که به سال ۱۱۹۰ هجری قمری اواخر حکومت کریم خان باغیال و اولاد به ایران سفر نمود در شیراز با عنایات حق مورد اقبال مردم قرار داشتند که از دیدگاه علماء ظاهر بین دور نماند. در آنجا گهگاه نزد کریم خان سعایت می نمودند به یکباره متوجه شدند ملا عبدالحسین فرزند محمد علی بیگ نام جمعه طیس و فرزندش محمد علی به خدمت معصوم علیشاه رسیده و هر دو تن (پدر و پسر) از مریدان و پیروان وی گردیده و به افتخار ورود به حلقه فقراء نعمت الهی نائل گردیده اند.

این پدر و پسر روحانی عبدالحسین با لقب فقری فیض علیشاه و فرزندش محمد علی با لقب فقری نور علیشاه (ملقب و مشهور گردید) و عنایات حق شامل حال آنها گردید که توانستند اجازه دستگیری و ارشاد (سالکان) را داشته باشند. حدوداً سه سال از آمدن معصوم علیشاه از هند و توقف ایشان در شیراز نگذشته بود که با یکی از بعضی از علماء شیراز کریم خان زند ایشان و یارانشان را از شیراز به اصفهان تبعید نمود.

متأسفانه این سید بزرگوار، سید معصوم علیشاه و یارانشان پس از خروج از شیراز در بین راه با تحریک قشریون مورد اذیت و آزار جهال و بخت برکشتگان قرار گرفته (زندیه هیچ اندیشه نکردند با این کار دودمان و سلطنت و بزرگی خود را از بیخ و بن خراب و خواهند داد) که از قدیم گفته اند:

چراغی را که ایزد برفروزد هر آنکس پف کند ریشش برود

گرچه بزرگان عرفان در اصفهان مورد احترام و استقبال علی مردان خان زند - که در آن وقت اصفهان قرار گرفتند. ولی دیری نگذشت که با فوت کریم خان اختلاف بین بازماندگان کریم خان زند بالا گرفت، در حالیکه سایه شوم حکومت آقا محمد خان قاجار از دور به چشم می آمد و این بلای مردم ایران جای پای سلطنت خود را در تهران و گرگان محکم می نمود، به جای اینکه زندیه با هم در مقابل او متحد شوند بنای ناسازگاری را نهاده آنقدر یکدیگر را کشتند که مردم شیراز از دست